

شیعه امام جواد بودن در برخورد با اهل سنت

مقدمه

ایجاد وحدت و همگرایی در جامعه، به ویژه بین مسلمانان، یکی از دست آوردهای مهم رسالت پیامبر(ص) بوده است. این نکته به عنوان یکی از مهمترین دست آوردهای پیامبر(ص) مطرح شده و در قرآن به آن اشاره شده است؛ «واعتصموا بحبل الله جميعاً ولا تفرقوا و اذكروا نعمه الله علیکم إذ كنتم اعداء ا فالف بین قلوبكم فاصبحتم بنعمته اخوانا»؛ (سوره آل عمران، آیه 103) و در جای دیگر میفرماید: «و اطيعوا الله و رسولہ و لا تنازعوا». (سوره انفال، آیه 46)

پیامبر اکرم(ص) همواره بر وحدت و یکپارچگی مسلمانان تأکید داشتند و از اقدامات ایشان در این زمینه میتوان به پیمان برادریه(ابن هشام، ج1: 505) و نیز اقدامات آن حضرت برای خنثی کردن اهداف و اقدامات بر هم زنندگان اتحاد مسلمانان اشاره کرد.[3] ایشان در موارد متعددی جدایی از جماعت را سبب خروج از اسلام و مرگ جاهلی معرفی کرده و فرمودند: «مَنْ فَرَّقَ الْجَمَاعَةَ قَيْدَ شَيْءٍ فَقَدْ خَلَعَ رِبْقَةَ الْإِسْلَامِ عَنْهُ عُنُقُهَا» (مجلسی، ج 26: 67-73) و نیز فرمودند: «مَنْ فَرَّقَ الْجَمَاعَةَ شَيْئاً فَمَاتَ فَمَاتَ فَمَيَّتَتْهُ جَاهِلِيَّةٌ». (مجلسی، ج 29: 331) بنابراین، وحدت اسلامی یکی از دغدغه های مهم و مورد توجه بوده است. البته توجه به این نکته لازم است برخلاف تصور برخی، وحدت اسلامی نه تنها باعث کتمان حقایق و دست کشیدن از عقاید حقه نمیشود؛ بلکه یکی از وظایف ایجادکنندگان وحدت اصیل اسلامی در نگاه شرع، ایجاد زمینه مناسب برای گفتمان و بیدارسازی عقول خفته ای است که از روی ناآگاهی از معارف اصیل اسلامی غافل شده اند.

وحدت اسلامی علاوه بر سیره نبوی دغدغه امامان شیعه نیز بوده است و همواره به طرق گوناگون بر آن تأکید میکردند. امیرمؤمنان(ع) نیز همواره بر آن تأکید میکردند، لذا فرمودند: «الزَمُوا الْجَمَاعَةَ وَاجْتَنِبُوا الْفُرْقَةَ»؛ (تمیمی آمدی، 1410: ج 2488) ایشان در برابر مخالفان حتی دشمنان مسلح و شمشیر کشیده را دعوت به کنار گذاشتن عناد و دشمنی کردند. ایشان با فرستادن

نمایندگانی نزد اصحاب جمل آنها را به رفع اختلاف و پایبندی به عهد و بیعت فراخوانده و تلاش کردند از وقوع جنگ داخلی جلوگیری کنند. (مفید، 1413: 313 - 319) ایشان در برابر خوارج نیز ضمن دعوت آنان به ترک مخاصمه و بر زمین نهادن سلاح و پیوستن به جامعه، جداشدگان از جماعت را خوراک شیطان معرفی کرده و میفرمایند: «وَإِيَّاكُمْ وَالْفُرْقَةَ فَإِنَّ الشَّاذَّ مِنَ النَّاسِ لِلشَّيْطَانِ كَمَا أَنَّ الشَّاذَّ مِنَ الْغَنَمِ لِلذِّئْبِ»؛ (صبحی صالح، خطبه 127: 184) از تفرقه دوری کنید! زیرا کسانی که از جماعت دوری کنند طعمه شیطان خواهند بود. چنانکه گوسفندی که از گله جدا می افتد خوراک گرگ میگردد.

امام صادق(ع) نیز این مهم را مورد تأکید قرار داده و می فرمایند: «و تواصلوا و تباروا و تراحموا و كونوا إخوة» ابراراً! کما امرکم [از] عزوجل؛ با یکدیگر پیوند داشته باشید و نسبت به هم مهربانی کنید و برادرانی نیکوکار باشید همانگونه که خداوند امر فرموده است. (کلینی، ج 2، ح 2: 175)

امام جواد(ع) نیز مانند اجداد بزرگوارش، بر این مهم توجه داشته و بر آن تأکید میکردند. ایشان در یکی از دعا‌های خود از خداوند می خواهد تا اختلاف را از بین برده و اتحاد را جایگزین آن کند و چنین خدا را می خوانند:

الهی... یَمْوُتَ الْإِخْتِلَافُ وَ یَحْیَا الْإِیْتِلافُ وَ یَعْلَمُ الْعِلْمُ وَ یَشْمَلُ السَّلَامُ وَ تَجْمَلُ الذِّیَّاتُ وَ یَجْمَعُ الشَّیْئَاتُ وَ یَقْوَى الْإِیْمَانُ وَ یَتْلَى الْقُرْآنُ. (ابن طاووس: ص 263)

این بخشی از مناجات امام جواد(ع) برای برطرف شدن ظلم است. ایشان بعد از شکایت از ظلم برخی بندگان و پر شدن شهرها از ظلم آنها و درخواست از خداوند برای کم کردن شر آنها از سر بندگان، از خداوند میخواست تا اختلاف را از بین برده و اتحاد و ائتلاف را زنده کند.

ادامه خواسته های امام جواد(ع) نیز در همین راستا است و لذا چنین خدا را میخواند: خدایا ... علم را برتری ببخش و تندرستی را فراگیر کن و نیتها را زیبا گردان و پراکندگی هارا به اجتماع تبدیل کن و ایمانها را قوی گردان و تلاوت قرآن را فراگیرکن.

ایشان در رفتار و گفتار خود راه کارهای مناسبی برای این مهم ارائه کرده اند؛ مهم ترین آنها عبارتند از: استدلال بر اصول و تعالیم مشترک میان مسلمانان مانند قرآن و سیره نبوی؛ احترام به

مخالفان و عقاید و باورهای مخاطبان؛ تحمل دیدگاه های مخالفان و گوش دادن به نظر آنان.

احترام به مخاطب

یکی از راههای تحقق وحدت اسلامی و زدودن اختلافات، احترام به مخاطبان به ویژه مخالفان در مناظرات و گفتگوهای علمی و مذهبی است که نقش مهمی در همراه کردن مخالفان دارد. احترامی برخاسته از مکارم اخلاق نبوی که زمینه جذب حداکثری مخالفان را نیز فراهم می آورد؛ شاید برخی از این احترامها متوقع نبوده اند؛ به این معنا که اگر هم بیان نشود، حمل بر بی احترامی نمیگردد. مانند اینکه در مناظره معروف امام با یحیی بن اکثم و پس از پاسخ امام به پرسش فقهی او، وقتی مأمون درخواست میکند که امام جواد(ع) نیز از یحیی سؤال بپرسد، باز حضرت از یحیی سؤال میکند: «آیا سؤال کنم؟» این شاید به خاطر رعایت حال او با توجه به شکستش در جواب دادن سؤالات قبلی است. البته جواب احترام یحیی هم هست که او نیز بعد از اجازه از مأمون، باز از حضرت اجازه میگیرد. زمانی که یحیی جواب سؤال را نمیداند، بدون اشاره به ضعف او، بلافاصله جواب را بیان می دارد. این احترام به قدری بر روی ایشان که از علمای اهل سنت بودند تأثیرگذار است که حتی به مرور، تعابیر احترام آمیزش نسبت به امام افزایش می یابد و چون شاگردی در مقابل امام سؤال میپرسد؛ با توجه به سن زیاد و جایگاه او و کمی سن امام و حضور بسیاری از علما و مردم، امری شگفت انگیز است. این گونه رفتار را در برخورد امام جواد(ع) با عمویش عبدالله بن موسی نیز میبینیم. ایشان خطاب به عموی خود که پاسخهای اشتباه به برخی سؤالات داده بود، او را نسبت به خطری که در کمینش بود هشدار داد و با احترام پاسخ درست را بیان کردند. (مسعودی، 1384؛ 221؛ بحرانی: 550 – 551)

بنابراین، احترام به مخاطب برای ایجاد وحدت اسلامی جایگاهی ویژه دارد؛ به گونه ای که شاید بتوان گفت بدون این احترام، هیچ راهی برای ایجاد وحدت بر پایه اسلام اصیل باقی نخواهد ماند. احترام به مخاطب را می توان در مواردی چون احترام در گفتگو، احترام به عقاید و دیدگاهها دانست.

استناد به اصول مشترک

یکی از مهمترین راه های رسیدن به جامعه آرمانی و تحقق وحدت اسلامی تأکید بر اصول مشترک است. از این رو، امامان معصوم(ع) برای نیل به این مقصود، در مواجهه با مخالفان، از قرآن و سیره نبوی استفاده کرده و بدان استناد میکردند.

استناد به قرآن

قرآن کریم علاوه بر توصیه بر وحدت، در آیات متعددی به آن سفارش کرده است؛ وحدت جایگاه مهمی در میان مسلمانان دارد و استناد و استدلال به آیات قرآن میتواند وحدت جامعه اسلامی را رونق بخشیده در رفع اختلاف جامعه اسلامی مؤثر باشد. سؤالاتی که با ظاهر یا نص قرآن پاسخ داده میشود، اقناعی همراه با رضایت برای مسلمانان ایجاد میشود. امام جواد(ع) نیز از این موقعیت ممتاز به عنوان یک اصل اساسی در بیان معارف اسلام اصیل و زدودن انحرافات برای رسیدن به وحدت در سایه اسلام حقیقی، استفاده میکردند.

در نمونه دیگر و در مجلسی، سخن از میزان اجرای حد در حکم قطع کردن دست دزد به میان آمد و دانشمندانی حضور داشتند و درباره آن نظر میدادند و برای اثبات حکم خود درباره مقدار اجرای حکم سارق به آیات قرآنی استناد میکردند. امام جواد(ع) دیدگاه آنان را نپذیرفت و برای اثبات فتوای خود به سخن پیامبر(ص) و آیه قرآن تمسک جستند. در آن مجلس، شخصی به آیه «وَأَمَّا سَوْءُ مَا كَسَبْتُمْ بِهِ فَأَيْدِيَكُمْ وَ أَيْدِيَكُمْ» (سوره نسا، آیه 43) برای تعیین دست تا مچ تمسک کرد. دیگری به «وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ» برای تعیین دست تا مرفق تمسک کرد. ولی امام جواد(ع) به «وَأَنْ أَلْهَمَ سَاجِدًا لِلَّهِ» تمسک کردند. برای اینکه مواضع سجده مربوط به خداوند است و با ادامه آیه «وَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ» (سوره احزاب، آیه 18) استدلال را تکمیل کردند که آنچه برای خداست قطع نمیشود. [6] و بدینسان بدون آنکه مخالفتی علنی با دیدگاه دیگران داشته باشد با استناد به حکم خدا و سخن پیامبر(ص) حکم صحیح را بیان کردند.

تمسک به سیره و سخن رسول خدا(ص)

سیره و سخن پیامبر اکرم به عنوان یکی از منابع مهم شریعت اسلامی از مهمترین عناصر وحدت بخش جامعه مسلمانان است. جایگاه ویژه پیامبر(ص) در قرآن نیز مورد تأکید و محور اتحاد مسلمانان (سوره آل عمران، آیه 159) معرفی شده و اطاعت یا سرپیچی از دستورات آن حضرت را مساوی با اطاعت و عصیان خداوند (سوره مائده، آیه 92؛ سوره انفال، آیه 1، 20، 24 و 46) معرفی کرده است. همین نکات سبب شده

تا پیامبر(ص) در میان مسلمانان از جایگاه ویژه ای برخوردار بوده و سخن و سیره آن حضرت همواره مورد توجه قرار گیرد و استدلال به آن را در ردیف استدلال به قرآن غیرقابل انکار بدانند. امامان شیعه نیز همواره این مهم را سرلوحه زندگی قرار داده و در ترویج و تبیین سیره نبوی کوشیده و در موارد فراوانی بدان استناد می‌جستند. امام جواد(ع) با توجه به این نکته در بیان معارف اسلام اصیل و زدودن کجیها، استفاده شایانی از سیره و سخن پیامبر(ص) داشتند. ایشان در مناظره‌های مختلف علمی و مذهبی و فقهی و فرقه ای با استناد به سخن پیامبر(ص) راه را برای مخالفان می بستند، چنانکه در مورد برخی روایات در مورد فضایل خلیفه اول و دوم بیان شد، حضرت در جواب روایتی که خداوند از رضایت ابوبکر سؤال میکند، فرمودند: من منکر فضل ابوبکر نیستم؛ ولی راوی این روایت باید روایت دیگر که پیامبر(ص) در حج الوداع فرموده را دیده باشد که فرمود: دروغ گویان بر من بسیار شده اند و بعد از من بیشتر میشوند، پس هر کس بر من عمداً دروغ ببندد، جایگاهش در آتش است. هرگاه روایتی از من به شما رسید، آن را بر کتاب خدا و سنتم عرضه دارید و آنچه موافق کتاب خدا و سنتم بود را پذیرفته و آنچه مخالف آن بود را رد¹ نمایید. امام جواد(ع) بعد از ذکر این روایت از پیامبر آن فضیلت مطرح شده برای خلیفه اول را بر قرآن عرضه کرده و بدین سان دروغین بودن آن را مشخص کردند.

نتیجه

امام جواد(ع) به تبعیت از قرآن و سیره نبوی، مانند سایر ائمه(ع) اهتمام ویژه ای به وحدت مسلمانان داشته اند؛ ایشان علاوه بر توصیه و تأکید بر آن، راه کارهای متعددی برای اجرایی کردن آن در جامعه پیش گرفتند. امام در برخورد با دیگران، از هرگونه بی احترامی و رفتار تنش زا، خودداری میکردند و به مخالفان به دیده احترام می نگریستند. امام جواد(ع) بدون آنکه واکنش پیروانش نسبت به عقاید و باورهایشان به چالش کشیده شود با استناد و استدلال به اموری که مورد پذیرش آنان بود مانند قرآن و سیره نبوی بطلان باورهای آنان را تبیین میکردند.

[1] استادیار پژوهشکده تاریخ و سیره اهل بیت(ع)، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

[2] دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ اسلام دانشگاه باقرالعلوم(ع)

[3] به عنوان مثال می توان به رفتار حضرت محمد(ص) در جریان اختلاف مسلمانان به هنگام

بازگشت از غزوه بنی المصطلق اشاره کرد که اختلاف و درگیری برخی افراد که ممکن بود به بحران تبدیل شود با درایت آن حضرت بدون آن که پیامد منفی داشته باشد خنثی شد. (ر.ک. طبری، ج 2، ص 606 و ابن سعد، الطبقات الکبری، ج 2، ص. 05- 94)

[4] مثل روایتی که از پیامبر(ص) نقل شد که اگر عذاب نازل می شد هیچکس جز عمر نجات نمی یافت. یا روایتی که باز از ایشان نقل شد که وحی از من باز داشته نشد مگر این که گمان کردم بر خاندان خطاب فرستاده شده است. امام هم ضمن رد این گونه جعلیات تلویحا آن را توهین به رسول خدا معرفی کردند.

[5] از جمله آیاتی که به نبوت حضرت یحیی و حضرت یوسف(ع) در زمان کودکی اشاره دارد. (کلینی، کافی، ج1، ص 483 و مسعودی، اثبات الوصیه، ص 812)

[6] حضرت در این مناظره این نکته را نیز تذکر دادند که برای به دست آوردن یک حکم از قرآن نباید بدون دقت تنها به لفظی که در آیه آمده است تمسک کرد؛ کما اینکه در این دو مورد اگرچه «ید» در آیه قرآن ذکر شده است اما ربطی به مقام ندارد و این قدر استدلال حضرت قوی بود که نیازی به رد استدلالهای قبلی نماند.

منبع: دوفصل نامه علمی ترویجی سخن تاریخ-ش22، پاییز و زمستان 94، صص152-143

نویسندگان:

حمیدرضا مطهری

ابوالقاسم عسکری